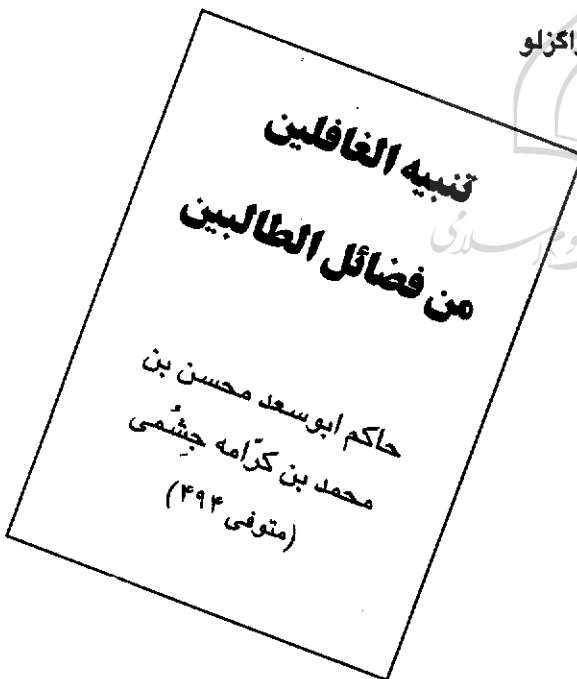


تفسیر آیات قرآن

در فضائل علی (ع) به روایت زیدیه

(سیری در کتاب فضائل الطالبین ابوسعید چشمی بیهقی)

علیرضا ذکاوتی قراکزلو



از جمله نفایس کتابخانه مجلس شورا که به تصحیح دانشمند محقق محمد رضا انصاری قمی چاپ شده است، تنبیه الغافلین عن فضائل الطالبین نوشته حاکم ابوسعید محسن بن محمد بن کرامه چشمی بیهقی متوفی ۴۹۴ است. این مؤلف خود سید علوی و از تبار محمد بن حنفیه است و از معتزلیان زبان آور بوده و کتاب مشهوری در رد مخالفان دارد به نام «رسالة ابلیس الی اخوانه المناحیس» یا «رسالة ابلیس الی اخوانه من المجبرة والمشبهة فی الشکایة عن المعتزله» و گویند به سبب همین رساله در مکه به قتل رسید (صفحه شانزده مقدمه). مصحح گوید در انتساب فضائل الطالبین به ابوسعید چشمی بیهقی، تردیدی نیست و این که بعضی (از جمله الذریعه) این کتاب را به سید مرتضی نسبت داده اند، اشتباه است.

مسلم است که سید مرتضی، زید و اولادش را امام نمی داند و از امام صادق (ع) روایت نمی آورد که هر رأیتی غیر از رأیت زیدیه رأیت ضلال است. (ص ۱۲۱، و همچنین ر. ک: صفحات ۱۴۰ و هجده از مقدمه کتاب)

روایاتی که حاکم چشمی در این کتاب آورده اغلب از متواترات (معنوی) و مشهورات است (ص ۱۸) و آیاتی را که به نحوی به علی (ع) ربط پیدا می کند، با احادیث تفسیری و نکات تفسیری موجز آن به ترتیب سوره ها آورده است. تصحیح کتاب براساس دو نسخه، یکی به تاریخ ۹۶۰ هـ. ق (رونویس شده از نسخه

تنبیه الغافلین عن فضائل الطالبین، حاکم ابوسعید محسن بن محمد بن کرامه چشمی بیهقی (متوفی ۴۹۴)

مورخه ۵۱۱) و دیگری نسخه ای از یمن مورخه ۱۲۹۹ هـ. ق صورت گرفته است. مصحح با مراجعه به بیش از چهل کتاب، توضیحات و ارجاعاتی داده و مشکلات متن را حل کرده است. توفیق مصحح و ناشر را آرزو مندیم.

اینک نکات برگزیده ای از کتاب، عرضه می گردد:

انجیل و میان اهل زبور طبق زبور و میان اهل فرقان طبق فرقان حکم می کردم. به خدا هیچ آیه ای نیست که در تری و خشکی، آسمان و زمین، دشت و کوه، شب و روز نازل شده باشد، مگر آن که می دانم در شأن چیست و کیست ... (ص ۲۰).

* ذیل آیه «فتین التقتا فته تقاتل فی سبیل الله و اخری کافرة» از ابن مسعود روایت کرده که راجع به جنگ بدر است که از آن طرف عتبه و شیبه و ولید بیرون آمدند و مبارز طلییدنند و از این سو حمزه و علی و عبیده بن الحارث به مقابله شتافتند. حمزه شیبه را کشت و علی ولید را. سپس به کمک عبیده رفت و به کمک یکدیگر عتبه را کشتند. (ص ۲۱)

* ذیل آیه «قل تعالوا ندع ابناءنا و نساءنا ... و انفسنا ...» (آل عمران ۱۳) آورده است که در قضیه مباهله منظور از «ابناءنا» حسنین (ع) و منظور از «نساءنا» فاطمه (ع) و منظور از «انفسنا» علی (ع) است. (ص ۳۴) در همین قسمت روایتی از پیغمبر (ص) می آورد که «خُلقت انا و علی من شجرة واحدة» (ص ۲۷) و نیز از پیغمبر درباره علی روایت آورده که «انه منی و انا منه» و نیز آورده: «یا علی ... انت رفیقی فی الجنة» و «یا علی انت اخی فی الدنیا و الآخرة» (ص ۲۸) و از علی (ع) روایت کرده که «انا عبد الله و اخو رسول الله، لم یقلها احد قبلی و لایقولها احد بعدی الا کذاب» (ص ۲۹) و نیز در همین جا حدیث منزلت را آورده که چون پیغمبر (ص) میان اصحاب مؤاخات برقرار کرد، علی (ع) از این که او را با کسی برادر قرار نداد، نگران بود. پیغمبر (ص) فرمود: «ما آخرتک الا لفسی، فانت منی بمنزله هارون من موسی الا انه لانی بعدی». (ص ۳۰) می دانیم که حدیث منزلت، داستان دیگری هم دارد (ص ۳۳) و ممکن است هر دو واقع شده باشد. مؤلف در همین قسمت روایت «سدر رسول الله الابواب الا باب علی» را نیز آورده، و از ابن عمر هم مضمون آن را نقل کرده است. (ص ۳۱ و ۳۲)

مؤلف در همین بخش حدیث ثقلین را به صورت «انی قد خلقت فیکم کتاب الله و سنتی، و عترتی اهل بیتی، فالمضیع لکتاب الله کالمضیع لسنتی و المضیع لسنتی کالمضیع لعترتی ...» آورده است و به شکل دیگری از ابو سعید خدری «ایها الناس انی ترکت فیکم الخلیفتین ... احدهما اکبر من الآخر، کتاب الله حبل ممدود من السماء الی الارض و عترتی اهل بیتی، الا وانهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض». (ص ۳۸ و ۳۹) به هر حال این سخن از پیامبر (ص) تواتر معنوی دارد و مشهورتر این است: «ایها الناس انی تارک فیکم الثقلین ...» (ص ۳۹) و نیز در همین قسمت این روایت معروف را آورده: «علی مع الحق و الحق و القرآن مع علی ...» (ص ۴۱)

* از ابن عباس روایت کرده است که «یا ایها الذین آمنوا» بهترین مخاطبش علی (ع) است و اصحاب دیگر کمابیش در بعضی آیات مورد عتاب قرار گرفته اند، الا علی (ع) که جز به خیر یاد نشده است و هر مدح و تعظیم و اکرامی که در قرآن آمده، علی (ع) مشمول آن است و هر رحمت و نصرتی که وعده داده شده، شامل او می شود. (ص ۷)

* علی (ع) در هر سریه ای امیر بود و هیچ گاه پیغمبر (ص) کسی را بر او امیر قرار نداد و در تمام غزوات، حامل لوای پیغمبر (ص) بود. (ص ۹)

* آورده است که علی (ع) راهنگام ولادت پیغمبر شست و نام نهاد و در کنار و آغوش خود تربیتش فرمود و نخستین مؤمن به پیغمبر (ص) علی (ع) بود. (ص ۱۰)

* از ابو سعید خدری روایت می کند که منافقان را با نشانی بغض علی، می شناختیم. (ص ۱۳)

* ذیل آیه «فتلقى آدم من ربه کلمات فتاب علیه» (بقره / ۳۷) آورده است که کلمات، پنج تن اند، و می گوید گناه آدم کبیره نبود و بیان مطلب را به «تنزیه الانبیاء» تألیف خودش حواله می دهد. مصحح در حاشیه، این عنوان را از مصنفات گمشده مؤلف می داند. (تنزیه الانبیاء موجود از سید مرتضی است).

* آیه «و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله» (بقره ۲۰۷) در شأن علی (ع) است، به مناسبت خوابیدن در جای پیغمبر (ص) در شبی که حضرت، مکه را به قصد مدینه ترک کرد. طبق این روایت ابوطالب علی (ع) را در جای پیغمبر خوابانید (ص ۱۵) حال آن که ابوطالب (رض) خیلی پیش از آن در گذشته بود.

* آیه «الذین ینفقون اموالهم باللیل و النهار سرا و علانیة» (بقره ۲۷۴) درباره علی (ع) نازل شده که چهار درهم داشت و در شب و روز و آشکار و نهان انفاق کرد. (ص ۱۷)

* ذیل کلمه «الراسخون فی العلم» (آل عمران ۷) گفته است که مراد علی (ع) است و حدیث «انا مدینه العلم و علی بابها» را شاهد آورده، و از عمر نقل کرده که «لولا علی لهلک عمر» و از ابودرداء روایت کرده که عالمی در شام هست (یعنی خودش) و عالمی در کوفه (یعنی ابن مسعود) و عالمی در مدینه (یعنی علی). آن که در شام است از آن که در کوفه است می پرسد و آن که در کوفه است از آن که در مدینه است می پرسد، اما آن که در مدینه است، از احدی سؤال نمی کند (ص ۱۹ و ۲۰). از خود حضرت علی (ع) نیز روایت کرده که اگر مسند برای من آماده می شد، میان اهل تورات طبق تورات و میان اهل انجیل طبق



بعد از آن پیغمبر (ص) در گذشت. در حاشیه آورده اند که طبق نظر شیعه این آیه در غدیر خم نازل شده (ص ۵۵). در هر حال به نظر مؤلف نیز موضوع این آیه جانشینی پیغمبر (ص) است و پیداست که همه شرایع و فروع، قبل از آن نازل شده بود. (ص ۵۶)

* ذیل آیه «فسوف یاتی الله بقوم یحبهم و یحبونه» (مائده ۶۷) گوید با وجود تعدد اقوال صحیح آن است که درباره علی (ع) باشد چه پیغمبر (ص) در خیر فرمود: «لا اعطین الرایة غدا رجلاً یحب الله ورسوله و یحب الله ورسوله...» و آن وصف علی (ع) بود. (ص ۵۷)

* ذیل آیه «انما ولیکم الله... ویوتون الزکاة وهم راکعون» (مائده ۵۵) به تأکید می گوید که این آیه در شأن علی (ع) است؛ زیرا او بود که در حال رکوع زکات داد، و این که علی (ع) یکی از افراد مشمول این عموم باشد، اختلافی نیست؛ ولی در مورد دیگران اختلاف هست، و اهل بیت متفق بوده اند که این آیه درباره علی (ع) نازل شده (ص ۵۹) و مراد از ولی، صاحب ولایتی از سنخ خدا و رسول است؛ یعنی وجوب طاعت (ص ۵۸) و «ولی» یعنی «اولی» و امام. (ص ۵۹)

* درباره «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک...» (مائده ۶۷) گفته اند این آیه در غدیر خم نازل شد. پیغمبر دست علی (ع) را بالا برد، چنان که سفیدی زیر بغلش آشکار شد و فرمود: «الست اولی بکم من انفسکم؟» گفتند: «آری به خدا» فرمود: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه». مؤلف شعری از حسّان آورده که واقعه را بیان می کند (ص ۵۹ و ۶۰) و نیز از علی (ع) روایت کرده که روزی کسان از اهل یمن به آن حضرت خطاب «مولانا» کردند؛ حضرت وجه آن خطاب را پرسید. به واقعه غدیر اشاره کردند. حضرت دچار احساسات شد و از لشکریان درخواست کرد که هر کس شخصاً قضیه را دیده و شنیده شهادت دهد. هشت انصاری و دو قریشی و یک خزاعی و یکی دیگر عیناً گزارش و شهادت دادند. (ص ۶۲) و نیز از پیغمبر (ص) روایت می کند که از خدا درخواست علی (ع) اولین مبعوث روز قیامت باشد، اجابت فرمود. و خواستم علی حامل لوی حمد باشد، اجابت فرمود. و خواستم علی برادر من در دنیا و آخرت باشد، اجابت فرمود. و خواستم خانه اش در بهشت مقابل خانه من باشد، اجابت فرمود. و خواستم بعد از من ولی مؤمنان باشد، اجابت فرمود. و خواستم که امت به ولایت که اجماع کنند، اجابت فرمود (ص ۶۳ و ۶۴).

* ذیل آیه «وهم ینهون عنه و ینأون عنه» (انعام ۲۶) در رد قول ناصیبان بحث می کند که ابوطالب (رض) را غیر مؤمن می دانند و به اجماع اهل بیت استناد می کند که ابوطالب را مسلم می دانستند (ص ۶۷). ناصیبان مادر پیغمبر (ص) را هم به همان گونه یاد

* ذیل آیه «الذین قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لکم فاخشوهم فزادهم ایمانا وقالوا حسبنا الله ونعم الوکیل» (آل عمران ۱۷۳) گوید آن که علیه اسلام و مسلمین جمعیت جمع کرد، ابوسفیان بود و آن که نهر اسید و ایمانش فزود علی بن ابی طالب بود. (ص ۴۲)

* ذیل کلمه «اولی الامر» (نساء ۵۹) پس از نقل اقوال مفسران، از شیعه نقل می کند که مراد علی (ع) است (ص ۴۴) و از ابوذر روایت می کند که پیغمبر (ص) به علی (ع) فرمود: «من اطاعک فقد اطاعنی». (ص ۴۴)

* ذیل آیه «ولو ردوه الی الرسول والی اولی الامر...» (نساء ۸۳) از زید بن علی روایت می کند که «رجوع باید به ما باشد» و در همین قسمت از ابن عباس روایت می کند که پیغمبر فرمود: «اقضی امتی بکتاب الله علی بن ابی طالب». (ص ۴۶) صورت مشهورتر این روایت که در کتب اهل سنت نیز آمده چنین است: «اقضاکم علی».

* ذیل آیه «لا یستوی القاعدون... والمجاهدون» (نساء ۹۵) به درستی می نویسد که امت متفق اند علی در رأس مجاهدان بود و هیچ کس به درجه جهاد او نرسید، و اندوه پیغمبر (ص) را او بر طرف می کرد و پیش روی آن حضرت شمشیر می زد و همین خصلت باعث شد که عده ای دشمن او و فرزندانش شدند. هنرنامه علی (ع) در بدر و احد و خندق و خیبر و جنگ هوازن و غزوه بنی المصطلق مشهور است. در جنگ بنی قریظه و روز فتح مکه حامل رایت، علی (ع) بود و در همه جنگ ها حضور مؤثر داشت الا تبوک، که به امر پیغمبر در مدینه به جانشینی پیغمبر (ص) باقی ماند. لذا «فَصَلَّ اللهُ المجاهدین علی القاعدین» در شأن علی است (ص ۴۷-۵۳) و اگر بگویند که غیر از علی (ع) مبارزان و دلاورانی چون ابودجانه نیز بوده اند، گوئیم خصال دیگر علی (ع) را نداشتند، و بحث اصلی بر سر سه خلیفه است که شجاعتی از آنان نقل نشده (ص ۵۳) و اگر بگویند آنان صاحب رأی بودند، مگر می پنداری که علی صاحب رأی نبود؟! و اگر گویند خود پیغمبر (ص) هم جنگ نمی کرد، این درست نیست بلکه از علی (ع) روایت شده که چون جنگ شدت می گرفت ما به پیغمبر (ص) پناه می جستیم و او از همه ما به دشمن نزدیک تر بود. (ص ۵۴) و این که گفته اند پیغمبر (ص) به دست خود کسی را نکشت، درست نیست. آن حضرت، ابی بن خلف را در جنگ احد کشت. (ص ۵۴)

* ذیل آیه «الیوم اکملت لکم دینکم» (مائده ۳) از قول گروهی از مفسران آورده است که این آیه عصر عرفة سال دهم هجرت در حجة الوداع نازل شد و پس از آن دیگر چیزی نازل نشد و ۸۱ روز

تفسیر آیات قرآن در فضائل علی (ع) به روایت زینب



می کنند (ص ۶۹). ذیل آیه ۵۶ از سوره قصص نیز همین بحث مطرح شده است. (ص ۱۳۲)

* ذیل آیه و نزعنا ما فی صدورهم من غل (اعراف ۴۳) از ابوالقاسم کعبی معتزلی نقل کرده که از علی (ع) روایت می کند که این آیه درباره ما و اهل بدر نازل شده، و از ابن عباس روایت کرده اند که درباره ابوبکر و عمر و عثمان و علی و طلحه و زبیر و ابن مسعود و عمار و سلمان و عبدالرحمن بن عوف نازل شده است. (ص ۷۱)

* ذیل آیه و نادای اصحاب الاعراف رجالا یعرفون بسیماهم (اعراف ۴۸) از ابن عباس روایت کرده است که اعراف جایگاه بلندی است بر صراط، و عباس و حمزه و علی و جعفر بر آن نشسته اند و دوستان و دشمنان خود را از سپیدی و سیاهی چهره هایشان می شناسند. (ص ۷۱) بعضی «اصحاب اعراف» را به فضیلتی مؤمنین و بعضی به شهدا تعبیر کرده اند که در حال علی (ع) از آن جمله است.

* آیه و ممن خلقنا امة یهدون بالحق و به یعدلون (اعراف ۱۸۱) را به مهاجر و انصار و بعضی به اهل بیت پیغمبر (ص) تفسیر نموده اند. (ص ۷۲)

* ذیل آیه و اتقوا فتنه لاتصیبن الذین ظلموا منکم خاصة (انفال ۲۵) اظهار نظر کرده است که کسانی دچار فتنه شدند که در جمل و صفین و نهروان با علی (ع) مخالفت کردند (ص ۷۳) و از طریق عمار از پیغمبر (ص) روایت کرده است که فرمود بعد از من اشتباهاتی رخ خواهد داد که به رد و بدل شمشیر منجر می شود. در آن موقع با علی (ع) باش! و نیز از پیغمبر (ص) روایت است که به علی (ع) فرمود با ناکثین (عهدشکنان) و قاسطین (ستمگران) و مارقین (از دین به درشدگان) خواهی جنگیدی. (ص ۷۵) عمار در جنگ صفین گفت با این پرچم (بنی امیه) سه بار در زمان پیغمبر جنگیده ام و این چهارمی است.

* ذیل آیه و اذ یمکر بک الذین کفروا لیثبتوک لو یقتلوک او یخرجوک ... (انفال ۳۰)

درباره ریزنی کفار برای حبس یا تبعید و یا کشتن پیغمبر (ص) نازل شده که در نهایت به کشتن حضرت رأی می دهند و جبرئیل به پیغمبر (ص) خبر داد و حضرت به سوی غار بیرون رفت و علی (ع) به جای پیغمبر (ص) خوابید. (ص ۷۷)

* ذیل آیه «یا ایها النبی حسبک الله و من اتبعک من المؤمنین» (انفال ۶۴) نقل کرده است که مراد آیه رسیدن تعداد مؤمنان به چهل نفر است که در هر حال شامل علی (ع) نیز خواهد بود؛ چه او نخستین مسلمان بود (ص ۷۷). البته آیه را این طور هم می شود معنی کرد: ای پیغمبر، خدا برای تو کافی است و برای پیروانت

از مؤمنان نیز کافی است. (ص ۷۸)

* ذیل آیه «ماکان لنبی ان یکون له اسری حتی یشخن فی الارض، تریدون عرض الدنیا واللّه یرید الآخرة» (انفال ۶۷) روایت کرده است که عمر و علی (ع) نظرشان بر قتل اسیران بود و ابوبکر و عثمان نظرشان بر زنده نگهداشتن و فدیة گرفتن، و پیغمبر (ص) فدیة گرفت و خدا عتابش کرد. مؤلف طبق مذاق معتزلی اش این را به عنوان صغیره ای بر پیغمبر (ص) گرفته است! مصحح کتاب در حاشیه طبق نظر شیعه راجع به عصمت پیغمبر (ص) توضیح داده، و به المیزان علامه طباطبائی (ج ۹، ص ۱۳۴) ارجاع داده است.

* «براءة من الله ورسوله الى الذین عاهدتم من المشرکین ...» (توبه ۱ و ۲) مفسران عموماً ذکر کرده اند که آیات صدر سوره براءت را پیغمبر (ص) به ابوبکر داد که در رأس مسلمین به حج می رفت و سپس علی (ع) را فرستاد که آیات را از او بگیرد و شخصاً بر مکیان بخواند (ص ۸۱). روایت کرده اند که پیغمبر (ص) فرمود: «لا یبلغ عنی الا انا ورجل منی.» (ص ۸۱)

* ذیل آیه «أجعلتم سقایة الحاج و عمارة المسجد الحرام کمن آمن باللّه والیوم الآخر وجاهد فی سبیل اللّه ...» (توبه ۱۹) آورده است که عباس و طلحه بن ابی شیبه و علی (ع) با هم مفاخره می کردند. طلحه گفت: من صاحب اختیار خانه کعبه ام؛ عباس گفت من صاحب منصب سقایت هستم؛ علی گفت من شش ماه پیش از همه مردم رو به قبله نماز می خواندم و صاحب جهادم. بعضی گفته اند بحث میان مهاجران با صاحبان منصب سقایت بود. بعضی گفته اند علی به عباس گفت: هجرت نمی کنی؟ عباس پاسخ داد آیا سقایت حجاج و تعمیر کعبه برتر از هجرت نیست؟ و این آیه در تفضیل ایمان و هجرت و جهاد با مال و جان در راه خدا نازل گردید. (ص ۸۲)

* «لقد نصرکم الله فی موطن کثیرة و یوم حنین اذا عجبتمکم کثر تکم فلم تغن عنکم شیئاً و ضاقت علیکم الارض بما رحبت» (توبه ۲۵) آن کس که در جنگ حنین (و حمله هوازن) نگریخت و به دفاع از پیغمبر ایستاد به طور مشخص علی (ع) بود. (ص ۸۳) مؤلف علاوه بر علی (ع) از عباس و ابوسفیان (بن الحرب) نیز نام برده است. (ص ۸۳) حقیقت این است که ابوسفیان بن حارث بن عبدالمطلب را از جمله باقی ماندگان در کنار پیغمبر نوشته اند، نه ابوسفیان بن الحرب را (تاریخ پیامبر اسلام، محمد ابراهیم آیتی، ۵۸۷)

* «السابقون الاولون من المهاجرین والانصار والذین اتبعوهم باحسان رضی الله عنهم ورضوا عنه ...» (توبه ۱۰۰) گفته اند این آیه درباره کسانی است که در بیعت رضوان (در



را در وحی استوار می‌دارد، و بعضی گفته‌اند که مراد علی (ع) است (ص ۹۷) و در همین ردیف است آیه ۸۴ سوره نحل: «من کل امة شهيداً» (ص ۱۰۵).

* «اینما انت منذر ولعل قوم هاد.» (رعد ۷)

گفته‌اند «منذر» پیغمبر (ص) است و هادی علی (ع). روایتی هم در این مضمون از ابویرده اسلمی آورده‌اند (ص ۹۹-۱۰۰).

* «قل كفى بالله شهيدا بيني وبينكم ومن عنده علم الكتاب.» (رعد ۴۳)

برخی مصداق «من عنده علم الكتاب» را علمای اهل کتاب نوشته‌اند و از امام باقر (ع) و محمد بن حنفیه روایت است که مراد علی (ع) است. (ص ۱۰۲) از شعبی نقل کرده است که عالم‌ترین مردم به کتاب خدا بعد از پیغمبر (ص) علی (ع) بود. (ص ۱۰۳)

* «فاسألوا اهل الذكر ...» (نحل ۴۳)

گفته‌اند مراد از اهل ذکر مؤمنان از اهل کتاب است، و نیز گفته‌اند مراد اهل بیت است (ص ۱۰۴)، چه «ذکر» و «رسول» باهم آمده است (طلاق ۱۰-۱۱ و نیز قلم ۵۲)

* «يوم ندعو كل اناس بامامهم.» (اسراء ۷۱)

«امام» را به نامه اعمال و کتاب آسمانی، پیشوا و دین و معبود و مادر معنی کرده‌اند. (ص ۱۰۶) و البته امام هدایت، علی (ع) و ائمه از اولاد او هستند و امام ضلالت دشمنان علی (ع) و

خاندان پیغمبر (ص). (ص ۱۰۸) در این جا مؤلف نام بعضی ائمه زیدیه را آورده است. (ص ۱۰۷)

* «وما جعلنا الرؤيا التي اريناك الا فتنه للناس والشجرة الملعونة في القرآن ...» (اسراء ۶۰)

گفته‌اند مربوط به بنی امیه است که پیغمبر در خواب دید یا برایش همچون معراج کشف شد که آن ناهلان بر منبر حضرت جست و خیز می‌کنند (ص ۱۰۹). از بدترین کارهای این طایفه، سب علی (ع) بود که سب علی (ع) همچون سب پیغمبر است. (ص ۱۱۱) در همین ردیف است آیه ۱۱۱ سوره انبیاء (ص ۱۱۹).

* «ان الذين آمنوا وعملوا الصالحات سيجعل لهم الرحمن ودا.» (مریم ۹۶)

از ابن عباس روایت شده که این آیه درباره علی (ع) است که هر مؤمنی محبت او را در دل دارد (ص ۱۱۵). درباره چگونگی قرار دادن خدا این مودت را در دل مردمان، قولی است بر این که خدا آنها را بدان امر می‌کند و قولی است به این که خصالی در شخص قرار می‌دهد که به واسطه آن محبوب مردم گردد. (ص ۱۱۶)

* «وامر اهلك بالصلاة واصطبر ...» (طه ۱۳۲)

از ابو سعید خدری روایت شده که بعد از نزول این آیه، تا نه ماه پیغمبر (ص) در اوقات نماز به در خانه علی و فاطمه

حذیبیه) شرکت کردند. بعضی گفته‌اند: مراد کسانی‌اند که به هر دو قبله (کعبه و بیت المقدس) نماز خواندند. بعضی گفته‌اند: مراد اهل بدر است و بعضی گفته‌اند مؤمنان قبل از هجرت‌اند. در هر حال علی (ع) از همه اینها محسوب می‌شود؛ گرچه دیگران ممکن است بعضی از این خصوصیت‌ها را نداشته باشند. (ص ۸۴) درباره این که نخستین مسلمان کیست، بعضی گفته‌اند ابوبکر و بعضی گفته‌اند علی (ع). البته ابوبکر پس از ایمان آوردن دعوت کرد و کسانی مثل سعد بن ابی وقاص و عثمان و عبدالرحمن بن عوف را وارد اسلام نمود. (ص ۸۵) علی خود در نامه و شعری خطاب به معاویه می‌فرماید (ص ۸۵):

سبقتکم الی الاسلام طراً

غلاما ما بلغت اوان حلمی

از پیغمبر (ص) روایت است که اولین کسی که بر حوض (کوثر) وارد شود، علی است که اولین مسلمان بود. (ص ۸۶) پیغمبر (ص) دو شبانه مبعوث شد و علی (ع) سه شبانه ایمان آورد. هفت سال فقط پیغمبر و علی (ع) نماز می‌خواندند. به گمان این جانب نخستین مسلمان از زنان خدیجه و از مردان خویشاوند پیغمبر، علی (ع) و از موالی، زید بن حارثه و از غیر خاندان پیغمبر، ابوبکر بوده است، و اختلاف روایات بدین گونه حل می‌شود.

* «ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم ...» (توبه ۱۱۱)

بعضی گفته‌اند این آیه درباره انصار و بعضی گفته‌اند درباره علی (ع) است و البته به علی سزاوارتر است و مطابق است با آیه ۲۰۷ سوره بقره که درباره علی (ع) نازل شده و بیان آن گذشت و اگر فرض کنیم آیه وصف کلی مجاهدان است، باز هم درباره غیر علی (ع) اختلاف هست و درباره او شکی نیست. (ص ۸۷)

* «يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله وكونوا مع الصادقين» (توبه ۱۱۹). مصداق «صادقین» را «مهاجر و انصار» و یا «آل محمد» ذکر کرده‌اند که بی شبهه علی (ع) از آنان محسوب است. (ص ۸۸) بعضی گفته‌اند مراد از آیه این است که ملازم صدق باشید. روایتی به این مضمون هست که «علی مع الحق والقرآن والحق والقرآن مع علی». مؤلف این روایت را به مناسبت در همین جا آورده است. (ص ۸۸)

در همین قسمت روایت مشهور را آورده که «لا یحب علیاً الا مؤمن ولا یبغضه الا منافق». (ص ۹۳) و نیز به مناسبت آورده است: «من احبّ قوماً حُشِرَ معهم ومن احب عمل قوم شرك فی عملهم» (ص ۹۵).

* «افمن كان علی بینه من ربه ویتلوه شاهد منه.» (هود ۱۷) در معنی «شاهد» آورده‌اند که جبرئیل است یا فرشته‌ای که پیغمبر



- علیهما السلام- می آمد و می فرمود: الصلاة رحمکم الله! چهل صباح نیز نوشته اند. (ص ۱۱۸)

* «هذان خصمان اختصموا فی ربهم». (حج ۱۹)

گفته اند درباره شش نفر که در جنگ بدر با هم مبارزه کردند، نازل شده: حمزه، علی، عبیده بن الحارث از طرفی و عتبه و شیبه و ولید بن عتبه از سوی دیگر. بعضی گویند مراد تقابل مؤمنان و کافران است و یا بهشتیان و دوزخیان (ص ۱۲۰) و همچنین است آیه ۲۱ سوره جاثیه (ص ۱۷۵).

* «فی بیوت اذن الله ان ترفع ویذکر فیها اسمہ ...». (نور ۳۶)
بعضی گفته اند مراد مساجد است و بعضی گفته اند خانه های مدینه و از امام جعفر صادق روایت است که خانه های پیغمبر (ص) مراد است. (ص ۱۳۳) در ذیل آیه آمده است:

«رجال لا تلهیهم تجارة ولا بیع عن ذکر الله» که مراد محمد (ص) و علی (ع) و خاندان آنها است نه دیگران که در وصفشان آمده است: «واذا رآوا تجارة او لهوا فانفصوا الیها» (جمعه ۱۱).

* «وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض». (نور ۵۵)

گفته اند که این آیه درباره ایمان آوردگان بعد از هجرت نازل شده که پیش از هجرت از مسلمان شدن بیم داشتند. و نیز آورده اند که درباره امیر المؤمنین (ع) و اولادش نازل شده است (ص ۱۲۴) و اگر گفته شده اولاد علی (ع) تمکن و امنیت در زمین نیافتند پاسخ این است که دین خدا از بطلان و تغییر امان یافته است. (ص ۱۲۵)

* ذیل آیه «فمالنا من شافعیین ولا صدیق حمیم». (شعراء ۱۰۰)، از امام صادق (ع) روایت کرده است که ما شفیعیان هستیم و غیر شیعیان ما شفیعی ندارند (ص ۱۲۷). از حضرت علی (ع) روایت است که دوستان ما را اگر پای بلغزد، خدا پای او را استوار دارد و روز قیامت نجاتش ببخشد. (ص ۱۲۸)

* «وانذر عشیرتک الا ولین». (شعراء ۲۱۴)

در ذیل این آیه داستان به مهمانی خواندن پیغمبر (ص) فرزندان عبدالطلب را و دعوت ایشان به اسلام و این که علی (ع) ایمان آورد و جانشیان پیغمبر (ص) بعد از او می باشد، آورده است. (ص ۱۲۹)

* «وتقلبک فی الساجدین». (شعراء ۲۱۹)

بعضی گفته اند مراد نماز خواندن پیغمبر (ص) است و بعضی گفته اند پاک بودن صلب و رحم پدر و مادر و نیاکان پیغمبر (ص) است. سعید بن جبیر از پیغمبر (ص) روایت کرده که من و علی (ع) روح واحدیم و از زمان آدم در اصلا بمنتقل شدیم تا روح من به صلب عبدالله و روح علی (ع) به صلب ابوطالب منتقل شد، پس علی از من است و من از علی ... (ص ۱۳۰).

* «أحب الناس ان یتروکوا ان یقولوا آمنا وهم لا یفتنون». (عنکبوت ۱)

از امیر المؤمنین (ع) روایت است که فرمود به خدا این آیه درباره من و دوستان و دشمنان من نازل شده است. (ص ۱۳۵). نیز روایت است که پیغمبر (ص) به علی (ع) از کینه ورزی کسانی با او خبر داد، علی پرسید: آیا دینم به سلامت خواهد بود؟ پیغمبر (ص) فرمود: بلی (ص ۱۳۷). نیز آورده است که ابو موسی اشعری نزد علی (ع) آمد و از پیغمبر (ص) روایت کرد فتنه ای خواهد آمد که در آن شخص خفته بهتر است از نشسته، و نشسته بهتر است از آن که راه می رود. و آن که راه می رود بهتر از آن است که می دود در چنان زمانی زه کمانتان را بگسلید و شمشیرتان را با سنگ کند کنید (ص ۱۳۸). علی (ع) به ابو موسی فرمود: این تویی که خفته ات به از ایستاده، است! طبق روایت دیگری عمار این روایت ابو موسی را تکذیب نمود و ابو موسی مضطرب شد (ص ۱۳۹) و قصه تحکیم امتحانی بود مانند حدیبیه.

* «والذین جاهدوا فینا لهدینهم سبلنا». (عنکبوت ۶۹)

از زید بن علی (ع) روایت است که این آیه در حق ما نازل شده است (ص ۱۳۹) و جهاد چند گونه است: یکی جهاد با نفس به علم و عمل، دیگر جهاد با کفار با دست و زبان و خون دادن، سوم جهاد با ستمگران با امر معروف و نهی از منکر، چهارم جنگیدن با سرکشان بر امام بر حق و دفع فساد در ارض، پنجم جهاد با بدعتگران. (ص ۱۴۰)

* «فأت ذا القربی حقه». (روم ۳۸)

ذو القربی یعنی نزدیکان پیغمبر (ص)؛ چنان که در آیه ۲۳ سوره شوری نیز به مودت ذی القربی اشاره شده است. بعضی گفته اند: در آیه سوره روم خویشاوندی صدقه دهنده با صدقه گیرنده، مراد است. (ص ۱۴۲)

* «افمن کان مؤمناً کمناً فاسقاً لا یستون». (سجده ۱۸)

این آیه درباره نزاع لفظی علی (ع) با ولید بن عقبه نازل شده است. ولید به علی (ع) گفت: خاموش باش که تو کودکی و من از تو زبانم گشاده تر است و سنانم تیزتر. علی گفت تو فاسقی (ص ۱۴۴). در شأن نزول آیه ۶ سوره حجرات نیز آورده اند که مراد از فاسق ولید است: «ان جاءکم فاسق نبأ فتنینا» (ص ۱۴۵).

* «واولوا الارحام بعضهم اولی ببعض فی کتاب الله». (احزاب ۶)

از این آیه استدلال کرده است به این که ولایت در ذریه پیغمبر (ص) است، نه دیگران. (ص ۱۴۸-۱۴۹)

* «من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله ...». (احزاب ۲۳)
گفته اند «من قضی نحبه» حمزه است و «من ینتظر» علی (ع)



از علی (ع) روایت است که فرمود: «انا الصديق الاكبر، امنت قبل ان يؤمن ابوبكر». و نیز آورده اند: «الصدیقون ثلاثة: حبيب النجار مؤمن آل یاسین، و حرقیل مؤمن آل فرعون، و علی بن ابی طالب مؤمن آل محمد». (ص ۱۶۴).

* «أفمن یلقى فی النار خیر ام من یأتی آناً یوم القیامه». (فصلت ۴۰)

این آیه درباره علی و دشمنان و دوستانش نازل شده است. (ص ۱۶۵)

* «قل لا استلکم علیه اجرا الا المودة فی القربى». (شوری ۲۳) مراد رعایت نزدیکان و خویشان پیغمبر (ص) است و هیچ پیغمبری مزد از امت نخواسته، پیغمبر (ص) ما نیز همچین؛ الا این که خدا به پیغمبر (ص) خیر داد که امت او با خاندانش چه خواهند کرد و این آیه نازل گردید (ص ۱۶۶). از پیغمبر (ص) روایت است که بنده مؤمن نمی باشد، مگر آن که مرا از خود دوست تر دارد و خاندان مرا نیز از خاندان خود دوست تر دارد. (ص ۱۷۰)

* «وجعلها کلمة باقیه فی عقبه». (زخرف ۲۸)

بعضی عقب ابراهیم را آل محمد دانسته اند. (ص ۱۷۲)

* «فاما نذهبن بک فاننا منهم منتقمون». (زخرف ۴۱ و ۴۲)

گفته اند اشاره است به جنگ جمل (ص ۱۷۳).

* «وانه لذكر لک ولقومک». (زخرف ۴۴)

در معنی کلمه «قوم» اختلاف است: جمیع امت، قریش، اهل بیت. (ص ۱۷۴)

* «ولتعرفنهم فی لحن القول». (محمد ۳۰)

این که منافقان در «لحن قول» شناخته می شوند؛ یعنی لحن کینه آمیزشان نسبت به علی (ع) (ص ۱۷۷).

* «وانابهم فتحا قریباً». (فتح ۱۸)

مراد فتح خیبر است که به دست علی (ع) انجام پذیرفت. (ص ۱۷۱)

* «اولئک الذین امتحن الله قلوبهم للتقوی». (حجرات ۳)

قریش نزد پیغمبر (ص) آمدند که بردگان ما به تو پیوسته اند آنها را به ما بازگردان. حضرت خشمگین شد و فرمود: «بس می کنید یا آن که خدا مردی از شما برمی انگیزد که گردنتان را برای دین بزند» و مرادش علی (ع) بود. (ص ۱۸۳)

* «وان طافتان من المؤمنین اقتتلوا فاصلحوا بینهما ...». (حجرات ۹)

گفته اند که درباره اوس و خزرج نازل شده و نیز گفته اند درباره علی (ع) و مخالفانش نازل شده است. به گفته بعضی از فقها اگر جنگ علی (ع) با اهل بغی (همچون معاویه) نمی بود، تکلیف در این گونه موارد نامعلوم بود. (ص ۱۸۳)

است. امام جعفر صادق (ع) وقتی خبر شهادت زید بن علی بدو رسید، این آیه را تلاوت فرمود و او را پیرو راه علی و حسن و حسین - علیهم السلام - شمرد. (ص ۱۴۹)

* «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت ویطهرکم تطهیراً» (احزاب ۳۳)

از ابوسعید خدری مروی است که این آیه درباره علی و فاطمه و حسنین (ع) نازل شده است (ص ۱۴۸). چنان که وقتی ام سلمه پرسید آیا من هم هستم؟ پیغمبر (ص) فرمود: تو به خیر و سلامت! (منظور این است که تو از زنان نیک پیغمبری، اما از اهل بیت نیستی). و نیز از پیغمبر (ص) روایت است که «مثل اهل بیتی کالنجوم کما اقل نجم طلع نجم» (ص ۱۵۱).

و نیز روایت است که فرمود: «وفی کل خلف من اهل بیتی عدول ینفون عن هذا الدین تحریف الغالین وانتحال المبطلین وتأویل الجاهلین.»

* «ان الله ملائکته یصلون علی النبی ...». (احزاب ۵۶)

از پیغمبر (ص) روایت است که هفت سال ملائکه بر من و علی صلوات می فرستادند؛ زیرا به غیر او مرد دیگری با من نماز نمی خواند. (ص ۱۵۳)

* «والذین یؤذون المؤمنین والمؤمنات بغير ما کتسبوا ...». (احزاب ۵۸)

درباره منافقان نازل شده است که علی (ع) را می آزدند. از پیغمبر (ص) روایت است که «من آذی علیاً فقد آذانی ومن سب علیاً فقد سبنی» (ص ۱۵۴)

* «ثم اورثنا الكتاب الذین اصطفیناهم من عبادنا فمنهم ظالم لنفسه ومنهم مقتصد ومنهم سابق بالخیرات». (فاطر ۳۲)

علی (ع) از جمله کسانی است که کتاب به ارث برده و از سابقان در خیرات است. ابن عباس گوید: علی (ع) به سبب طول صحبت، چیزها می دانست که ما نمی دانستیم. از جابر روایت است که پیغمبر (ص) به علی (ع) فرمود: «ترثنی وارثک» و این میراث چیزی نبود جز علم و امامت. (ص ۱۵۷)

* «یس والقرآن الحکیم انک لمن المرسلین». (یس ۱-۳) «یس» خطاب است به محمد (ص) و آل محمد را آل یاسین می گفتند. (ص ۱۵۹ و ۱۶۱)

* «أمن هو قانت آناء اللیل ...». (زمر ۹) از انس بن مالک روایت است که این آیه درباره علی (ع) نازل شده است. (ص ۱۶۳)

* «والذی جاء بالصدق وصدق به». (زمر ۳۳) گفته اند درباره ابوبکر نازل شده، و گفته اند درباره علی (ع) نازل شده. (ص ۱۶۴)

* «مرج البحرين يلتقيان ...» (رحمن ۱۹-۲۲)

گفته اند دو دریا علی (ع) و فاطمه (ع) است و برزخ رسول الله (ص) و لؤلؤ و مرجان حسنین (ص ۱۸۵) و البته اگر روایت صحیح باشد، این تفسیر را می توان پذیرفت؛ و گرنه دلالت ظاهری آیات چنین نیست.

* «والسابقون السابقون اولئك المقربون.» (واقعه ۱۰-۱۱)

گفته اند «سابقون» یعنی پیشی گیرندگان در ایمان به پیغمبر (ص) و کسانی که به هر دو قبله نماز خواندند و نیز سابقین در هجرت و اجابت و اطاعت رسول الله (ص) و البته همه این صفات در علی (ع) موجود است. (ص ۱۸۶)

* «يا ايها الذين آمنوا اذا ناجيتم الرسول فقدموا بين يدي

نجاواكم صدقه.» (مجادله ۱۲)

از پیغمبر (ص) بسیار سؤال می کردند. امر شد که هر کس می خواهد با پیغمبر (ص) نجوا کند، نخست صدقه ای در راه خدا بدهد. هیچ کس به این دستور عمل نکرد به جز علی (ع)، و سپس این آیه منسوخ گردید. (ص ۸-۱۸۷)

از عبدالله بن عمر روایت است که علی سه امتیاز داشت که دوست داشتیم از من بود: تزویج فاطمه، اعطای پیغمبر (ص) رایت را بدو روز خیر، و آیه نجوا.

* «ما فاء الله على رسوله من اهل القرى فله وللرسول ولذی

القربی.» (حشر ۷)

این که «فی» از جمله باید به «ذی القربی» برسد، به قول شافعی بر حسب ارث است و ابوحنیفه قید فقر را هم می آورد و بعضی گفته اند به واسطه نصرت رسول الله (ص) است؛ چون بنی عبدالمطلب در جاهلیت و اسلام با پیغمبر (ص) بودند و بعضی گفته اند حکم این آیه فقط در دوره حیات پیغمبر (ص) است. (ص ۱۸۹)

* «يا ايها النبي اذا جاءك المؤمنات يبایعنك.» (ممتحنه ۱۲)

فاطمه بنت اسد (مادر علی) نخستین زنی بود که با پیغمبر (ص) بیعت کرد و نخستین زنی بود که هجرت کرد و با پیغمبر (ص) بسیار مهربان بود و پیغمبر (ص) برای دشواری های محشر برای او دعا فرمود. (ص ۱۹۰ و ۱۹۱) و زمانی که درگذشت پیغمبر (ص) بسیار اندوهگین شد و فرمود: «تو مرا سیر می کردی در حالی که عقیل و جعفر و علی گرسنه بودند. خدایت بیامرزاد.»

* «فان الله هو مولاه وجبريل وصالح المؤمنين.» (تحریم ۴)

«صالح المؤمنین» را به علی (ع) تفسیر کرده اند که از همه جدی تر و صمیمی تر از پیغمبر (ص) دفاع می کرد و ملازم سفر و حضر پیغمبر (ص) بود. (ص ۱۹۲)

* «وتعيها اذن واعيه.» (حاقه ۱۲)

پیغمبر (ص) علی (ع) را دعا کرد که گوش شنوا و فراگیرنده گوش علی (ع) باشد و از آن پس علی (ع) چیزی را فراموش نکرد (ص ۱۹۳) و در قضاوت اشتباه نمود و شک به دل راه نداد. (ص ۱۹۴)

* «سأل سائل بعذاب واقع.» (معارج ۱)

آورده اند که وقتی پیغمبر (ص) در غدیر خم ولایت علی را اعلام فرمود، حارث بن نعمان پرسید این را از خود می گویی یا از خداست؟ پیغمبر (ص) سوگند خورد که از جانب خداست. حارث گفت اگر چنین است خدایا بر ما سنگ بیاران! و بر او عذاب نازل شد و مرد. (ص ۱۹۶)

* «يوفون بالذُّر.» (انسان ۷)

آیات سوره هل اتی درباره علی (ع) و فاطمه و حسن و حسین (ع) و کنیزشان فضا نازل شده است که طبق قصه مشهور سه روز افطاری خود را به مسکین و یتیم و اسیر بخشیدند (ص ۱۹۸). البته روایتی هم هست که در شأن یک انصاری نازل شده است که یک روز مسکین و یتیم و اسیری را اطعام کرد؛ اما روایت اول ظاهرتر و معروف تر است.

* «فاليوم الذين آمنوا من الكفار يضحكون.» (مطففین ۳۴)

گویند پیغمبر (ص) علی را بر بنی هاشم ریاست داد، به او خندیدند. بعضی گفته اند علی (ع) با جمعی از مؤمنان می آمد بعضی منافقان بر او خندیدند؛ آیه در این باره نازل شده است. بعضی گفته اند آیه درباره ابو جهل و ولید بن مغیره و عاص بن وائل است که بر امثال بلال و عمار می خندیدند. (ص ۲۰۰)

* «ان الذين آمنوا وعملوا الصالحات اولئك هم خير البریه.» (لکم یکن ۷)

«خیر البریه» محمد و خاندان اوست و از پیغمبر (ص) روایت شده است که «علی (ع) هو خیر البشر من ابی فقد کفر» (ص ۲۰۳).

* «الا الذين آمنوا وعملوا الصالحات وتواصوا بالحق وتواصوا بالصبر.» (عصر ۳)

همه آیه را گفته اند در صفت علی (ع) است (ص ۲۰۵)، و بعضی گفته اند صفت چهار یار است (ص ۲۰۵).

* «انا اعطيتك الكورث.»

طبق روایت مشهور درباره اولاد پیغمبر (ص) است. (ص ۲۰۶-۲۰۷)

